



مدارس اصفهان در دوره صفویه

پدیدآورده (ها) : کشاورزی، محمدطیب
تاریخ :: مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام :: تابستان 1395، دوره اول - شماره 2
از 65 تا 82
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1163335>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه دولتی اصفهان
تاریخ دانلود : 27/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

مدارس اصفهان در دوره صفویه

محمد طیب کشاورزی^۱

^۱ کارشناسی ارشد ایرا نشناسی (گرایش تاریخ)، دهگلان، کردستان، ایران

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی سوابق مدارس اصفهان در دوران صفویه است، بنا به شواهد تاریخی و بر اساس اسناد، وجود مدرسه در تعلیم و تربیت ایرانی و اسلامی از پیش از اسلام و دوره هخامنشیان در ایران سابقه ای طولانی و تا اواخر حکومت ساسانیان استمرار داشته است. دولت صفویه با انتخاب اصفهان و با داشتن انگیزه های قوی، نهضت مدرسه سازی ایرانیان را احیا کردند. مدارس اصفهان عصر صفویه گذشته از تعداد آنها، همگی به دنبال ترویج مذهب تشیع بودند و برنامه درسی مشترک داشتند. برخی از آنها به شکل شبانه روزی اداره می شدند برخی از مدارس درآمدهای سرشار داشتند که یا از سوی دولت تامین می شد و یا حاصل فروش موقوفات زیاد آنها بود و به این دلیل مدارس از نظر مالی به مدارس دارای موقوفات و مدارس بدون موقوفه نیز تقسیم می شد. در این پژوهش به نحوه ایجاد، ارائه دروس، نحوه فعالیت و نحوه تامین مالی پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: مدارس، اصفهان، صفویه، موقوفات.

۱- مقدمه

بنا به شواهد تاریخی و بر اساس اسناد، وجود مدرسه در تعلیم و تربیت ایرانی و اسلامی از پیش از اسلام و دوره هخامنشیان در ایران سابقه ای طولانی و تا اواخر حکومت ساسانیان استمرار داشته است. پس از قرن دوم اسلامی، دوباره ایرانیان صاحب مدرسه شدند و در عصر رنسانس اسلامی با تولد و زایش دیگر بار علم و علم آموزی و حضور پررنگتر ایرانیان در عرصه های گوناگون اجتماعی، راه برای تأسیس پایگاه های علم آموزی هموار گردید. اقدام خواجه نظام الملک طوسی در تأسیس مدارس جدید با نام "نظامیه"، استمرار تلاش گذشتگان بود و در مراحل بعد و تا آغاز به کار دولت صفویه و سستی های ایجاد شده در صحنه های سیاسی - اجتماعی کشور، رکودی در کار ادامه مدارس پیش آمد. دولت صفویه با انتخاب اصفهان و با داشتن انگیزه های قوی، نهضت مدرسه سازی ایرانیان را دوباره احیا کردند. در اصفهان، تا پیش از صفویه، ۱۷ مدرسه در دوره های مختلف وجود داشته است و در دوره صفویه و به ویژه از زمانی که اصفهان پایتخت شد، در حدود ۱۲۰ سال بیش از ۸۰ مدرسه در شهر ساخته شد. اگر گزارش شاردن درست باشد، در یک زمان بیش از ۵۸ مدرسه در شهر فعالیت همزمان میکردند. مدارس اصفهان عصر صفویه گذشته از تعداد آنها، همگی به دنبال ترویج مذهب تشیع بودند و برنامه درسی مشترک داشتند. برخی از آنها به شکل شبانه روزی اداره می شدند و به اصطلاح طلبه نشین بودند و این ویژگی خاص مدرسی بود که توان مالی داشتند و سایر مدارس به صورت عادی و روزانه اداره میشدند. برخی از مدارس درآمدهای سرشار داشتند که یا از سوی دولت تأمین می شد و یا حاصل فروش موقوفات زیاد آنها بود و به این دلیل مدارس از نظر مالی به مدارس دارای موقوفات و مدارس بدون موقوفه نیز تقسیم می شد.

مدارس باقیمانده از عصر صفویه در اصفهان امروز حدود ۲۰ و به قولی ۱۴ مدرسه است و بسیاری از آنها فعالیت علمی-آموزشی دارند و با عنوان حوزه علمیه مشغول به کارند.

۲- اصفهان در عهد صفویه

گرچه ممکن است لقب نصف جهان برای یک شهر کمی اغراق آمیز باشد، ولی آنها که در تاریخ و جغرافیای ایران سر رشته دارند و گذشته و حال اصفهان را می دانند و این شهر را می شناسند، این لقب را شایسته این شهر بزرگ می دانند. شهری با تاریخی کهن از گذشته ای دور (دوران باستان) تا امروز که غیر از روزگاران جنگ و پریشان حالی {کوتاه خود} همیشه به جلو پیش رفته است.

به قول راجر سیوری اصفهان، برخلاف شیراز کسی چون حافظ را نداشت تا اوصافش برشمارد (سیوری ۱۳۸۴: ۱۵۱). این کهن شهر مرکزی سه دوره مهم تاریخ ایران - آل زیار، سلجوقیان و صفویان - پایتخت بوده است. اگرچه شهرت اصفهان بیشتر از عهد صفویه و پادشاهی شاه عباس است، ولی گذشته ای روشن و تقریباً درخشان دارد که پرداختن به آن در این نوشتار نمی گنجد. راجر سیوری اصفهان را به نقل از ویلفرد بلانت، یاد بود شاه عباس می داند. (همان: ۱۵۱)

کمپفر اصفهان را این گونه توصیف می کند:

" وسعت این شهر چندان است که آن را بزرگترین شهر آسیا در این سوی رود کنک می توان به حساب آورد من به هر حال بی جهت کوشیدم که طی یک روز شهر را سواره دور بزنم، به علت وجود باغ های متعدد و موانعی از قبیل جوی ها و گودال ها شاید در دو روز هم نتواند به مقصودم رساند" (کمپفر ۱۳۶۳: ۱۸۵).

اصفهان را هر که دیده، ستوده است، چه در گذشته های دور و چه در دوره صفویه و چه امروز. آنچه شاه عباس برای اصفهان انجام داد بیش از آن بود که دیگران کرده بودند و یا می توانستند و نکردند. شاردن که بیش از یک دهه سفرنامه بسیار علمی و زیبایی خود را به اصفهان اختصاص داده است، اصفهان را بزرگترین و زیباترین شهر در تمام مشرق زمین و آب و هوایش را سالم تر از همه شهرها می داند. وی مناطق بیرون شهر را از حیث حاصل خیزی و زیبایی بی نظیر می داند. شاردن اصفهان را دارای ۱۶۲ مسجد، ۱۸۰۲ کاروان سرا، ۲۷۳ حمام و ۱۲ گورستان می داند که در دایره ای به محیط ۲۴ مایل بنا شده است (فریر ۱۳۸۴: ۹۵).

۳- تعلیم و تربیت در ایران

۳-۱- پیش از دوره صفویه

تعلیم و تربیت در ایران سابقه ای طولانی و مربوط به دوره خاصی نیست. از لابه لای اوراق تاریخی به خوبی هویداست که ایرانیان با تعلیم و تربیت آشنایی قدیمی داشته و از واپسین سال های سکونت آریایی ها در فلات ایران - حتی پیش از آن - جریان تعلیم و تربیت در این سرزمین جاری بوده است. اگر مدنیت و فرهنگ و تمدن در جهان بررسی شود. به طور قطع ایران یکی از پایه های خیمه آن است و بدون ایران و نقش تاریخی آن، تمدن کهن جهانی و اسلامی قابل بررسی نیست. ایران تا پیش از اسلام دارای بیش از هزار سال فرهنگ و تمدن است. گویند هخامنشیان نخستین سلسله از پادشاهان هستند که به فرمان آنها مدرسه، دانشکده، فرهنگستان و انجمن های فرهنگی رسمی در سراسر مملکت دایر شده است و تحصیلات را در سه بخش عالی، دبیرستانی و دبستانی اجرا می کرده اند. در دوره اشکانیان به واسطه برخی تحولات سیاسی-فرهنگی این امر تنزل پیدا کرد، و لی در دوره ساسانیان به ویژه از زمان خسرو پرویز، نهضت علمی و ادبی در ایران بار دیگر آغاز شد (محمدی، بی تا: ۲۰۴).

پذیرش اسلام از سوی ایرانیان روندی بسیار تدریجی داشت. آهنگ انتشار ایمان تازه بر حسب ناحیه و طبقات گوناگون تفاوت داشت. پذیرش اسلام موجب دگرگونی در زندگی خانوادگی و اجتماعی مردم ایران گردید (فرای ۱۳۸۰: ۳۲). ایرانیان در این دوره مایه نفوذ کلی در اسلام شده و مصمم شدند که از این پس عرب و تمدن و خلافت و سلطنت او را مطیع ایران و ایرانی گردانند تا هم در تمدن اسلامی رسوخ کنند، هم مقامات عالیله اداری فرهنگی را به ایرانیان اختصاص دهند و هم نهضت بزرگ علمی-اجتماعی ایرانی - اسلامی را تشکیل دهند (صفا ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۵).
"نخستین کسانی که در اسلام مدارس مهم بنا کردند ایرانیان و اعاجم بوده اند و اگر خبری که غربی ها از مدرسه هامون در خراسان (نیشابور) یاد کرده اند درست باشد، در بلاد ایرانی و برای پیشبرد هدف ایرانی بوده است" (حلی ۱۳۶۵: ۳۸۰).

۳-۲- در دوره صفویه

از هجوم مغولان در ابتدای قرن هفتم تا ابتدای قرن دهم جریان تعلیم و تربیت ایرانی - اسلامی دچار رکود و نوسانات زیاد گردید و مجادلات و مناقشات و هجوم های داخلی و خارجی، فرهنگ سازی و تعلیم و تربیت را دچار آسیب های جدی کرد. از مهم ترین اقدامات در دوره صفوی تشکیل دولت متمرکز ایرانی پس از گذشت ۱۰ قرن بعد از اسلام و نیز رسمی شدن مذهب تشیع در ایران بود و این دو مهم، زمینه را برای تجدید بنای نهضت علمی - آموزشی با قالبی جدید و به نام ایران و مذهب رسمی فراهم کرد. به عبارتی هر دوی این پدیده ها می توانست در احیای فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، انگیزه های بسیار قوی باشد، چه اینکه شاهان صفوی با فراهم آوردن زمینه های سیاسی-اجتماعی، اقتصادی در اصفهان به این مهم کمک فراوان نمودند. شاید این دوره یادآور تلاش های ایرانیان در قرن های پنجم و ششم و اقدامات سیاسی و علمی سلجوقیان و خواجه نظام الملک ها بود، البته با انگیزه های سیاسی مذهبی متفاوت.

در واقع مذهب همه چیز را تحت تأثیر خود قراردادده بود. در این دوره از حیات سیاسی کشور، که دین و دولت و مذهب و مکتب و سلطنت و سیاست چون شیر و شکر در هم آمیخته بود (نویدی شیرازی ۱۳۶۹: ۷)، تعلیم و تربیت نیز به شدت رنگ مذهبی به خود گرفته بود.

ایران کانون اصلی تکاپوهای علمی معلمان شیعی اثنی عشری گشت. گسترش مدارس و تأسیسات مذهبی گوناگون به ویژه با یاری اولیه برخی علمای مهاجر و علمای ایرانی به این امر یاری رساند. در مدارس ایران در این زمان، آیین و اندیشه دینی رایج و غالب تشیع اثنی عشری بود. از این مدارس علما و دانشمندان برجسته ای فارغ التحصیل شدند که روی هم رفته پیکره اصلی تکاپوهای دینی پس از آن را تشکیل می دادند (صفت گل ۱۳۸۱: ۱۷۴).

ماهیت دین سالارانه حکومت صفوی و حذف تدریجی صوفیان - که در یک روز تاریخی با همکاری علما و دربار صورت گرفت - به همراه ویژگیهای خاص مذهب شیعه، به علمای شیعه ایران قدرت زیادی داد. این قدرت نهاد روحانیت را به مهم ترین نهاد

سیاسی موجود بعد از سلطنت تبدیل کرد که گاهی می توانست با قدرت شاه رقابت و نهاد سلطنت را در بعضی از مواقع محدود کند. این دو نهاد بدون اینکه در یکدیگر منحل شوند در صحنه سیاسی ایران به صورت دو نیروی رقیب باقی ماندند (حسین زاده: ۱۰۱)

آزادی تحصیلی از شاخصه های تعلیم و تربیت در دوره صفویه است. آزادی تحصیل به حدی بود که حتی گاهی اوقات به فراش های مدرسه نیز اجازه داده می شد تا در کلاس های درس حضور یابند (الگور: ۱۳۷۵: ۱۴۶). ولی با این همه بیشتر کودکان به مدرسه نمی رفتند در حالی که تقریباً در همه شهرها مدرسه وجود داشت. بچه های ثروتمندان و بزرگان به مدارس که وابسته به مساجد بود، میرفتند و در آنجا ضمن تحصیل زبان فارسی به فرا گرفتن عربی و تا حد امکان حفظ کردن قرآن می پرداختند و برنامه های تعلیماتی آنها چنان بود که بیشتر این کودکان در سن ده یازده سالگی به قدر کفایت تحصیل کرده محسوب می شدند.

در خانواده های اعیان و اشراف ایران در دوره صفویه کودک تا سه سال پس از گرفته شدن از شیر، در اندرون نزد زن ها باقی می ماند و طی این مدت تماس چندانی با دنیای خارج از منزل نداشت و از سن پنج سالگی تعلیم او شروع می شد (همان: ۱۴۴).

۳-۳- مدرسه در دوره صفوی

هدف اصلی سلاطین صفوی از تأسیس مدارس گوناگون، معتقد کردن کودکان و سالمندان به مذهب جعفری بود. برای این منظور، نهضتی با پشتیبانی فکری علمای "جبل عامل" و مساعدت مالی و سیاسی شاهان صفوی برای ساختن مدارس در اصفهان به ویژه از دوره شاه صفی به بعد (جابری انصاری: ۱۳۷۸: ۱۳۷) شکل گرفت. در این دوره به ویژه از سال ۱۰۰۶ ه.ق تا پایان عمر حکومت صفوی، در اصفهان بیش از ۸۰ مدرسه ریز و درشت تأسیس شد.

صفویان از دیدگاه ساختار دینی با تأسیس مدارس و مساجد جدید و تغییر و بازسازی مدارس و مساجد قدیم آوازه می یافتند و مرکز الهیات، فلسفه و مناظره های فکری و مذهبی می شدند (صفت گل: ۱۳۸۱: ۲۰۶). اصفهان از عصر شاه عباس اول به بعد شاهد تلاش و تکاپوهای علمی آموزشی بسیار جدی است. شاردن هدف از ایجاد مدارس در دوره صفویه را امور خیریه میدانند و می نویسند: "یکی از تأسیسات خیریه عهد مسلمانان بنای مدارس است، زیرا علاوه بر اینکه کلیه مساجد، مدارس در جنب خود به ضمیمه دارند حتی در دهات نیز به طوری که من بسیار دیده ام، مدارسی وجود دارد" (شاردن: ۱۳۳۸، ج ۵: ۴۵).

آنچه مسلم است روند توسعه مدارس اصفهان در دوره صفویه با به حکومت رسیدن شاه عباس اول گسترش یافت و مدارس زیادی با حمایت شاه، خانواده سلطنتی و افراد با نفوذ اجتماعی بنا شد. نگاهی به حدود ۸۰ مدرسه اصفهان در عصر صفوی بیانگر این است که بیشتر مدرسه ها در زمان شاه سلطان حسین ساخته شده است.

علم آموزی غیر از مساجد - به عنوان کانون های آموزشی- در مکان های دیگری نیز انجام می شد که به آنها مدرسه می گفتند. به نظر می رسد تحصیلات ابتدایی در این دوره، که بیشتر خواندن قرآن و حدیث و اندکی ادبیات بود، در مساجد انجام می گرفته و این روال طبیعی و پیشین جامعه ایرانی بود. اگرچه پیش تر نیز مدرسه و مدارس در ایران اسم های جدید و بیگانه ای نبودند. مساجد از گذشته به عنوان مکان های مذهبی استعمال آموزشی فراوانی داشتند و در مساجد معمولاً وسایلی برای مساعدت مالی طالبان علم نیز وجود داشت و این کمک خرج، که بنا به رسم زمان آن را «اجرا» می گفتند، از محل موقوفات - که اهل خیر و سلاطین بر جوامع و مساجد وقف می کردند - پرداخته می شد (صفا: ۱۳۶۳: ۹).

بنا بر این رشد روزافزون مدارس در این دوره در واقع نوعی تغییر در روند آموزشی نیز به شمار می آید. مدرسه مکانی برای جایگزینی آموزش در مسجد شد و آموزش در سطوح عالی و تخصصی، جایگزین آموزش ابتدایی و سنتی در مساجد گردید بدون اینکه از نقش تربیتی مساجد کاسته شود (جاوری: ۱۳۸۲: ۱۳۷).

۴- بنیان فکری مدارس اصفهان در عصر صفویه

آنچه مسلم است سلاطین صفوی با کمک علما حوزه فکری - فرهنگی گسترده ای را با نیت خاص در اصفهان آغاز کردند. مهم ترین این علما که نقش بسیار جدی و کلیدی در رونق این حوزه داشتند، فهرست وار عبارتند از:

- ۱ - نورالدین علی بن عبدالعالی مشهور به علی بن عبدالعالی، محقق ثانی (محقق کرکی) متولد ۸۷۰ ه. ق جبل عامل.
- ۲ - حسین بن عبدالصمد حارثی متولد ۹۱۸ ه. ق جبع از توابع صیدا که در حدود ۹۶۰ ه. ق به ایران آمد.
- ۳ - شیخ بهایی فرزند حسین معروف به عبدالصمد در ۹۵۳ ه. ق در بعلبک به دنیا آمد. در هفت سالگی به ایران آمد.
- ۴ - محمد بن ابراهیم شیرازی (ملاصدرا) متولد حدود سال ۹۸۰ ه. ق شیراز است.
- ۵ - محمد باقر سبزواری (محقق سبزواری) متوفای سال ۱۰۹۰ ه. ق واز علمای بزرگ عصر شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی است.

۶ - فیض کاشانی - ملا محسن - به سال ۱۰۰۷ ه. ق در کاشان به دنیا آمد.

۷ - محمد تقی مجلسی - مولی محمد تقی مقصود علی اصفهانی - در سال ۱۰۰۳ ه. ق در اصفهان متولد گردید. (حسین زاده: ۲۰۱).

۸ - محمدباقر مجلسی در سال ۱۰۳۷ ه. ق به دنیا آمد. او فرزند محمد تقی مجلسی بود.

۹ - سلطان العلماء، حسین الحسینی اصفهانی از معاریف و بزرگان دوره صفوی و از شاگردان شیخ بهایی است (کتابی: ۱۳۷۵: ۱۲).

۱۰ - ملاعبداله شوشتری اصفهانی چهارده سال در اصفهان بود. او محرک شاه عباس اول در احداث دو مدرسه در کنار میدان نقش جهان برای تدریس خود و شیخ لطف اله بود.

۱۱ - مولی حسنعلی شوشتری فرزند ملاعبداله و شاگرد شیخ بهایی و متوفای سال ۱۰۷۵ ه. ق است (همان: ۲۵-۲۶).

۱۲ - ملاصالح مازندرانی اصفهانی داماد ملامحمد تقی و از علمای بزرگ دوره صفوی است.

۱۳ - آقا حسین لبنانی اصفهانی از گیلان بود و به اصفهان مهاجرت کرد.

۱۴ - شیخ لطف الله عاملی اصفهانی بن عبدالکریم بن ابراهیم بن علی بن عبدالعال متولد میس از توابع لبنان است.

آقا حسین خوانساری (۱۰۶۱-۱۰۱۶) ه. ق، میرفندرسکی و بسیاری دیگر از علمای دوره صفوی علمای تأثیرگذار در حوزه علمی - آموزشی اصفهان عصر صفوی اند.

در بسیاری از مدارس معروف دوره صفوی، تعدادی از علما و هنرمندان و شعرا ساکن بودند. اگرچه مدرکی که نشان دهنده تدریس برخی از آنها در مدارس باشد به دست نیامده است و لی سکونت آنها در مدارس بی شک در وضعیت علمی آن مدارس بی تأثیر نبوده است. (نصر آبادی: ۱۳۷۸: ۲۱۳-۸۰۴).

۵- بودجه احداث مدارس

احداث مدارس در دوره صفوی با مشارکت خیرین مدرسه ساز (واقفان) و دولت صورت میگرفت. بودجه ساخت مدارس از دو محل تأمین می شد: یکی کمکهای دولتی و دیگر از موقوفات و گاه شاهان خود به وقف اموال برای بنای مدارس می پرداختند (احمدی: ۱۳۸۲: ۱۱۷).

واقفان (بنیان مالی) و انگیزه های آنها

واقفان برای انجام عمل وقف انگیزه های متفاوتی داشتند. کسب ثواب اخروی، مقبولیت نزد عامه، یافتن اعتبار دنیوی، مصون کردن اموال از مصادره و نجات اموال از تکه تکه شدن از جمله آنهاست. با نگاهی دقیق به مسأله در می یابیم که بیشتر واقفان، شاهان، خاندان سلطنتی و اشراف (همان: ۳۹)، برخی از علمای درجه اول و معتبر عصر صفوی، صاحب منصبان، تجار، خواجهگان، افراد با نفوذ و بازاریان و اغنیای عصر صفوی هستند که آنها نیز به نوعی وصل به دربار بودند. از ۵۹ وقفنامه بررسی شده عصر صفوی هفده وقفنامه آن متعلق به مدارس است و این خود نشان دهنده اهمیت مدرسه سازی و رغبت خیرین برای

احداث مدرسه و مراکز آموزشی است. بنابراین واقفان نفوذ خاصی در اداره مدارس داشتند. یک مدرسه ادامه بقای خود را مدیون درآمدهایی بود که به هزینه های گوناگون آن اختصاص یافته بود. بنابراین عدول از شرایطی که واقفان برای مدارس تعیین کرده بودند، به منزله دست شستن از درآمدهای مدرسه بود. متولیان موقوفات می توانستند با تسلط مالی که بر مدارس دارند آنها را کنترل و یا به هر سمت و سو که می خواهند، هدایت کنند (همان: ۴۱).

۶- نظام آموزشی مدارس

سن شروع به یادگیری خواندن و نوشتن نیز سه سال بعد از گرفتن از شیر یعنی سن پنج سالگی بود. برابر منابع و متون تاریخی در این دو مرحله دو نوع گوناگون آموزش ارائه می شده است. به نظر می رسد این تقسیم بندی یک قانون کلی و لازم الرعایه برای همه افراد نبوده است. اگرچه روش تدریس در هر دو مرحله تقریباً یکسان بوده ، ولی منابع درسی در دو دوره آموزشی گوناگون و دوره اول پیش نیاز ورود به دوره دوم بوده است. در دوره اول تحصیلی (دوره مکتب خانه) آنها بلافاصله پس از آنکه با حروف الفبا آشنا شدند خواندن و قرائت را با کتاب مقدس خود - قرآن - شروع می کردند. پس از قرآن کتاب های شیخ سعدی یعنی گلستان و بوستان را و بعد کتاب حافظ را می خواندند (اولناریوس ۱۳۷۹، ج ۲: ۶۷۵). یعنی ترتیب ارائه دروس ابتدا خواندن و نوشتن بعد روخوانی و روان خوانی قرآن و برخی ادعیه مذهبی دیگر . سپس ادبیات فارسی و ریاضی در حد مقدماتی و یادگیری خواندن و فهم کتاب های سعدی و حافظ بود و تا سن ۱۲ سالگی می توانست ادامه یابد. در مرحله عالی - که بسیار وسیع تر و مشکل تر از مرحله ابتدایی بود و در مدارس انجام می شد - همان دروس دوره قبل در حد پیشرفته به اضافه علوم عقلی و سایر علوم رایج (غیر ممنوعه) آموزش داده می شد. علومی که در این مدارس عالی (علاوه بر علوم دینی) تدریس می شد عبارتند از: حساب ، هندسه، خطابه ، شعر ، فیزیک ، فلسفه ، نجوم ، رمل ، حقوق و پزشکی.

۷- منابع و رشته های درسی

منابع درسی در دوره صفویه یکسان نیست و به نسبت گذشت زمان تغییراتی در آنها به عمل آمده است . بسیاری از کتابهایی که ابتدا ی دوره صفویه و یا حتی اواسط این دوره مورد استفاده بود در اواخر این دوره استفاده نمی شد و در برخی موارد حتی ممنوع استفاده شدند (همانند برخی کتب فلسفی). در اواخر دوره صفویه بسیاری از منابع درسی تالیف شاگردان نسل اول مدارس دوره صفویه چون مجلسی ، سبزواری، شیخ بهایی و می باشد.

۸- منابع علوم دینی

- ۱- منیه المرید فی آداب المفید و المستفید تألیف شیخ زین الدین حر عاملی (شهید ثانی) که کتاب روش تدریس ، کلیات ، متون ، شرایط معلم و شاگرد و ... بود.
- ۲- حلیه المتقین از محمدباقر مجلسی که کتاب علوم اجتماعی، اخلاقی ، آداب معاشرت و زندگی و ... بود.
- ۳- عین الحیات از محمدباقر مجلسی کتاب آموزش عالی دینی، اخلاقی ، عرفانی و ... بود (همان: ۹۵).
- ۴- تفسیر - کتب تفسیر ابوالفتوح رازی، کشف زمخشری ، مجمع البیان طبرسی، تفسیر بیضاوی.
- ۵- فقه - کتاب تبصره علامه حلی، شرایع الاسلام محقق اول ، لمعه شهید اول محمد بن مکی، مکاسب شیخ مرتضی انصاری ، وسیط امام محمد غزالی.

منابع سایر علوم

۶ - صرف و نحو عربی و معانی و بیان و لغت کتاب های سیبویه در صرف و نحو ، کامل المبرد در صرف و نحو و ادب ، نصاب ابونصر فراهی ، خطب نهج البلاغه حضرت امیر، شرح امثله سید شریف جرجانی ، عوامل عبدالقاهر جرجانی در نحو ، انموذج

زمخشری در نحو ، مغنی ابن هشام در نحو عالی ، الفیه ابن مالک در صرف و نحو و شرح آن توسط جلال الدین سیوطی ، شرح حاجی در نحو و مصباح مطرزی در صرف و نحو .

۷- احوال - کتب معالم الاصول شیخ حسن بن شهید ثانی ، فصول شیخ حسین اصفهانی ، قوانین الاصول میرزا ابوالقاسم قمی ، رسایل شیخ مرتضی انصاری .

۸- معانی و بیان - کتب تلخیص المفتاح عبدالرحمن خطیب قزوینی و مطول که شرح آن است .

۹- منطق - کتب حاشیه ملاعبداله یزدی بر تهذیب المنطق کبری میرسید شریف جرجانی ، شمسیه کاتبی قزوینی، شرح شمسیه ملاقطب رازی، شرح شمسیه ملاسعد تفتازانی ، مطالع قاضی ارموی ، شرح ملاقطب رازی

۱۰- کلام - کتب باب حادی عشر علامه حلی ، شرح تجرید علامه حلی ، شرح تجرید ملاعلی قوشچی ، شوارق ملاعبدالرزاق لاهیچی ، مواقف قاضی عضالدین ایچی ، شرح مواقف میر سید شریف جرجانی

۱۱- درایه (شرح حال راویان حدیث و چگونگی روایت آنان)- کتب بدایه شیخ بهایی ، وجیزه امام محمد غزالی ، رواشح میرداماد

۱۲- حکمت - کتب شفای ابن سینا ، هدایه اثیر الدین ابهری ، شرح هدایه میبیدی ، شرح اشارات ابن سینا از خواجه نصیرالدین طوسی ، اسفار ملاصدرا ، شرح منظومه ملاهادی سبزواری

۱۳- هیئت - کتب مجسطی خواجه نصیرالدین طوسی ، هیئت ملاعلی قوشچی ، التفهیم ابوریحان بیرونی، شرح چمغینی ، شرح تذکره خواجه نصیر الدین

۱۴- ریاضی - کتب اقلیدس خواجه نصیر طوسی ، خلاصه الحساب شیخ بهایی ، حساب غیاث الدین جمشید کاشانی (راوندی: ۱۳۶۴: ۹۰-۹۱).

۱۵- فلسفه - کتب فلسفی ارسطو را که به زبان عربی برگردانده بودند.

۱۶- متن، خطابه و شعر - کتب گوناگون همانند کتاب های میر خواند، انوری ، جامی ، سعدی و حافظ (اولئاریوس: ۱۳۷۹، ج ۲: ۶۷۹).



۹- تدریس سایر علوم (غیر از علوم دینی)

نوعی استقامت در برابر برخی علوم (جدیده) و منابع درسی از سوی برخی علمای مذهبی و واقفان در دوره صفویه وجود داشت . نظر طرفداران علوم جدیده این بود که اشتغال به محض علوم رسمیه (علوم دینی) اگر چنین بود که همین غفلت از صلاح بود ، چندان ضرر نداشت ، بلکه باعث افسردگی وی (طالب علم) نیز می گردید (تبریزی: ۱۳۷۳: ۲۴۴).

علم رسمی سر به سر قیل است وقال
نه از او کیفیتی حاصل ، نه حال
مولوی باور ندارد این کلام
نفس را افسردگی آرد مدام

و طرفداران علوم قدیم و مخالفان علوم جدید اعتقاد داشتند که :

" بعضی از اهل این روزگار که نه از ظاهر شریعت مطهره خبر دارند و نه از باطن آن آگاه و ترک جمعه و جماعات و سایر مستحبات منسوبه علیه حنیفه نموده و در زاویه انزوا غنوده ، قناعت به عبادات مخترعه خود کرده دم از این علوم می زنند و به نظر حقارت به علما نگاه نموده ، نکوهش می نمایند، و آنانند که باعث بدنامی علمای حقیقه شده اند (همان: ۲۴۴).

۱۰- رشته های تحصیلی

در آن روزها رشته تحصیلی به معنای منفک و تخصصی شده امروزی وجود نداشت بیشتر مدرسان و محصلان مدارس در رشته اصلی آن دوره یعنی علوم دینی تدریس و تحصیل می کردند و در کنار آن و در صورت نبودن مانع (شرط واقف مدرسه)، در حد توان به سایر علوم نیز می پرداختند .

محصّلین با استعداد به علوم دینی روی آوردند و علمای بزرگ چون محقق ثانی، شیخ بهایی، میرداماد، ملا محسن فیض کاشانی و مجلسی ظهور کردند. طلاب مدارس، شیعه بودند و مدرسی که به سایر مذاهب تعلق داشت تعطیل و یا تبدیل به مدارس شیعه شدند (الماسی ۱۳۷۷: ۳۹۴)..

خواندن علوم دیگر چون حساب، هندسه، نجوم و پزشکی در کنار علوم دینی و توسط تعدادی خاص از طلاب پی گیری می شد و مورد استقبال همه قرار نمی گرفت.

در عهد صفویه برای پیشرفت ریاضی موانع بسیاری وجود داشت. فقدان تجربیات علمی و ارتباط (محقق ۱۳۸۴: ۶) نداشتن با علم اروپا و نیز تعصبات عقیدتی مانع پیشرفت علوم جدید (همان: ۱۷) بود تا جایی که به عنوان نمونه پسر حکیم محمد تحصیلات پزشکی را نیمه کاره در اصفهان رها کرده و به همراه پدر به خاک عثمانی آمده بود (همان: ۲۴۵)

۱۱- روش تدریس

تدریس در مدارس دوره صفویه به زبان فارسی انجام می شد. اگر چه عربی زبان مذهبی و علوم عالیّه بود (همان: ۵۴). در هر دوره روش ارائه دروس تقریباً یکسان بود و فقط منابع، مختلف بود و سرعت ارائه دروس و نیز مدت زمان ارائه آنها تفاوت می کرد.

گاهی پیش می آمد که یک معلم تک و تنها زبان عربی، صرف و نحو و شعر، فلسفه ارسطو، حدیث و گاهی حتی ریاضیات و هیأت نیز تدریس کند. و ممکن بود در آن واحد به شاگردان انواع و اقسام مواد درسی عرضه گردد. به طور مثال در یک روز هفت رشته علمی (هفت درس) یا حتی بیشتر تدریس شود (همان: ۱۴۰).

کمپفر می گوید: "ظاهراً در ارائه دروس قاعده خاصی رعایت نمی شده و بدون اینکه در کار دروس نظم و تسلسل منطقی رعایت شود، مسلماً شاگردان در کار تعلم قدمی فراتر نخواهند نهاد. اینها قبل از اینکه در منطق تبحر پیدا کنند فیزیک، می خوانند. بدون سابقه ای در حساب به آنها هندسه اقلیدسی، المجسطی بطلمیوس، هندسه و مثلثات کروی منلائوس و تئودوزیوس را ارائه می دهند" (همان: ۱۴۱).

در سفر نامه شاردن آمده است: "روش مکتب خانه ای که امروزه نیز در برخی از حوزه های علمیه رایج است، در دوره صفویه خصوصاً در دوره اول آموزش اجرا می شده است. هر یک از محصلین درس خود را با صدای رسا و در آن واحد قرائت می کنند. ... همگی با صدای بلند و بسیار رسائی به قرائت مشغول می شوند. چون محصلین را بقدر مقدور به خواندن با صدای بلند ناگزیر می کنند، یک قیل و قال یوم سبت پدید می آید. آنها استدلال می کنند که در حالت آرامش محصلین به این ور و آن ور می نگرند و به جای تعلم به چیز دیگری می اندیشند در صورتی که با روش قیل و قال هیچ کس نمی تواند متوقف و منحرف گردد و بدین ترتیب کودکان در نطق و بیان ورزیده می شوند" (شاردن ۱۳۳۸، ج ۵: ۳۹).

۱۲- برنامه درسی مدارس

برنامه روزانه در مدارس منظم نبوده و هر جلسه در صورت نیاز، برنامه درسی روز بعد با هماهنگی مدرس اعلام می شده است. چرا که ممکن بود یک محصل در طول روز نزد چند استاد و به چند مکان مختلف برود. دانشجویان ضمن اینکه در انتخاب دروس آزادی داشتند، مختار بودند که برای هر درس اساتید گوناگونی را اختیار و یا یک درس را نزد چند استاد بیاموزند.

۱۳- سازمان اداری - مالی مدارس

مدارس دوره صفویه از نظر اداری دو دسته بودند. برخی از مدارس به مدارس طلبه نشین، که مدارس شبانه روزی امروزی، معروف بودند و برخی مدارس که طلبه نشین نبودند و در واقع مدارس عادی به شمار می آمدند. بیشتر مدرسی که طلبه نشین بودند، مدارس برخوردار و دارای امکانات خاص بودند و در اصطلاح مدرسی بودند که موقوفات زیاد داشتند و هزینه های گوناگون آنها از محل درآمدهای موقوفات پرداخت می شد.

در فصلهای پیش در باره درآمد‌های مدارس، واقفان و برخی دیگر از امور مالی بحث شد. آنچه در این ارتباط مهم است متولی مدارس و سایر کسانی است که به نوعی در اداره مدارس دخالت داشتند. در اداره مدارس غیر از رکن اصلی مدرسه، که مدرس بود، بیش از ۲۰ پست دیگر دخالت داشتند که به ترتیب عبارت اند از:

۱۳-۱- صدر یا ریاست عالییه مدارس

در مواقعی که که صدراعظم دولت، شخصیت ادیب و دانشمندی باشد، معمولاً ریاست(کل) دانشجویان یا طالبان علم با مشارالیه است. شاغل این مقام، که نفوذ عظیمی در مملکت ایران دارد، یکی از اعظم رجال امپراتوری و بیشتر اوقات "صدر" یعنی پیشوای مذهبی کشور است (شاردن ۱۳۳۸، ج ۵: ۴۸). صدر در واقع یکی از برجسته ترین علمای زمان بود که حاضر به همکاری با دولت و تئوریسین دولت و مشاور مذهبی شاه بود. صدر از جمله کسانی بود که در به کارگیری فارغ التحصیلان مدارس در دستگاه دولتی نقش اساسی داشت و طلبه ها به واسطه نقش موثر ایشان احترام زیادی برای او قایل بوده و سعی در نزدیک کردن خود به وی را داشتند.

۱۳-۲- رییس مدرسه

رییس مدرسه از طرف صدر به این سمت انتخاب می شد و بیشتر وظایف او عبارت بود از:

الف- زندگی و کردار و رفتار محصلین را به دقت زیر نظر بگیرد.

ب- به طلاب تنبیل یا سبکسر اخطار دهد.

ج- افراد ناشایست را از مدرسه بیرون کند.

د- محصلین کوشا و مستعد را تمجید کند و با کمک های سالانه پاداش دهند(کمپفر ۱۳۶۳: ۱۴۲).

شاردن معتقد است که تعیین مدیر و معلمان مدارس با متولی و پذیرش طلاب شبانه روزی نیز به اختیار مدیر مدرسه بوده است (شاردن ۱۳۳۸، ج ۵: ۴۵). در مدارس دولتی و متعلق به شاه، انتخاب مدیر و معلم مدرسه با پادشاه بود (همان: ۴۶).

مدیر مدرسه بعد از واقف، که خط مشی اصلی مدرسه در دست او بود و سیاست ها و شرایط و قوانین مدرسه را تعیین می کرد، مقام دوم مدارس بود.

نویسنده کتاب طب در دوره صفویه معتقد است هر مدرسه دو مدیر داشته است، یکی مدیر دروس و دیگری مدیر داخلی که اداره مدرسه، تعیین کلاس ها و دریافت شهریه را بر عهده داشته است (الگور ۱۳۵۷: ۱۴۵). به احتمال زیاد منظور از مدیر دوم همان متصدی است.

۱۳-۳- متولی

در مدارس دارای موقوفات، در صورتیکه واقف می خواست، می توانست یک نفر را به عنوان متولی انتخاب کند تا به جای او به ایفای وظیفه بپردازد. وظایف متولی، اداره عالییه مدرسه و املاک و رقبات وقفی آن و رسیدگی به امور مربوط مالی مدرسه بود (جاوری ۱۴۰: ۱۳۸۲).

۱۳-۴- متصدی

متصدی در واقع حسابدار مالی موقوفات مدارس بود. "وظیفه متصدی، اخذ و دریافت حاصل موقوفات و صرف کردن آنها در مصارف مقرر فوق و ایصال وظایف مدرس و طلبه و مرسوم مؤذنان و طلبه را با مرسومات مزبوره به نحو مقرر رسانیده، قبض به مهر ناظر و مدرس در دست داشته، در این باب فوت و فروگذاشت ننماید" (خسروی ۱۳۵۲: ۱۵۹).

۱۳-۵- ناظر

به نظر می رسد ناظر همان گونه که از نامش پیداست ، کار اجرایی نمی کرده و فقط نظاره گر بوده و احتمالاً نوعی بازرس از سوی مقامات بالاتر (همچون متولی و اقف و یا صدر) بوده است . وظیفه ناظر ، نظارت بر اجرای صحیح بندهای وقف نامه و امور مربوط به آن بوده است (جاوری ۱۳۸۲: ۱۴۰).

۱۴- سایر کارکنان

غیر از پست ها و مشاغل اعلام شده بالا که کادرداری - مالی مدارس بودند ، تعداد دیگری از مشاغل بود که در مدارس در روند اجرای آموزش نقش داشتند . مهم ترین آنها در لابه لای وقف نامه ها بیان شده که به شرح زیر است .
۱- مستوفی ۲- کتابدار ۳- تحویلدار ۴- مؤذن ۵- خدمه (کارکنان) مدرسه ۶- کارگران(عمله) ۷- فراش ۸- دربان ۹- باغبان ۱۰- آبکش ۱۱- کفش دار ...
هر کدام از آنها باید شرایط آن شغل را داشته باشند تا به کار مشغول شوند.

۱۵- امکانات مدارس

وقتی صحبت از امکانات مدارس می شود ، ناگزیر به دسته بندی دوباره آنها به دو دسته برخوردار و غیر برخوردار هستیم . مدارس برخوردار مدرسی بودند که امکانات مالی زیاد داشتند و بیشتر این امکانات عایدات حاصل از درآمد موقوفه های مدارس بود.

۱۵-۱- امکانات شبانه روزی - مسکن و غذا

مدرسه های دوره صفویه به تناسب بانی و واقف آن و قدرت مالی آنها ، بزرگ و کوچک بود و هر مدرسه حجراتی برای سکونت طلاب داشت . از ۱۵۰ حجره مدرسه چهارباغ تا ۱۵ حجره و کمتر ، ویژه سکونت طلاب بود. مدارس کوچک تر و حتی برخی مدارس ، فاقد حجره بودند و فقط روزها فعالیت آموزشی داشتند و به اصطلاح طلاب خارجی (غیر شبانه روزی) در آن درس میخواندند.

شاردن در این باره می گوید:

" مدرسه های بزرگ تا ۶۰ حجره داشتند که هر یک عبارت بود از دو اتاق و یک دهلیز . حجرات را خالی و بدون اثاث تحویل می دادند و طلاب بایستی بر حسب سلیقه و مقدرات خویش آنها را فرش و تجهیز می کردند (به استثنای مدرسه چهارباغ). با اینکه بعضی مدارس فقط یک سو درآمد داشت . حجراتش طالبین بسیار داشت زیرا منزل مجانی و برخی موجب اتفاقی باعث تشویق طلاب بود. این گونه مدارس مملو از محصلین شبانه روزی بود که معلومات ابتدایی (مکتب ندیده) نداشتند و به هیچ وجه در پی کسب دانش نبودند و فقط به خاطر اندک سود مزبور در حجرات رحل اقامت می افکنند" (شاردن ۱۳۳۸: ۴۲)

۱۵-۲- سایر امکانات رفاهی

۱. اتاق های ویژه سکونت مدرس در طرفین در ورودی با وسایل راحتی و آسایش.
۲. کتابخانه و آزمایشگاه (مجموعه ای از ابزارهای نجومی) در مدرسه.
۳. عبور جوی آب از وسط مدرسه و ریختن به حوض چهارگوش.
۴. وجود یک مسجد در کنار مدرسه.
۵. وجود باغ میوه در عقب مدرسه.
۶. قهوه خانه و گرمابه عمومی متصل به مدرسه (کمپفر ۱۳۶۳: ۱۴۴).

۱۶- شرایط تحصیل در دوره صفویه

شرایط عمومی تحصیل در مدارس شرایط سخت و دست نیافتنی نبود و هر کسی می توانست آنها را داشته باشد و مقررات خاص فقط در مدارس موقوفه دار و برابر شرایط مندرج در وقف نامه ها آمده است. آنچه از لابه لای اوراق تاریخی در باره شرایط تحصیل در مدارس یافت می شود را می توان به دو دسته عمومی و اختصاصی طبقه بندی کرد.

شرایط عمومی

- ۱- داشتن پنج سال برای شروع تحصیلات مقدماتی (مکتب خانه).
- ۲- داشتن ۱۲ سال برای شروع تحصیلات عالی (مدرسه).
- ۳- اشتغال به تحصیل علوم دینی.
- ۴- اعتقاد و التزام به مذهب اثنی عشریه.
- ۵- صالح ، متقی ، پرهیزگار و اهل قناعت بودن.
- ۶- رعایت مقررات مدرسه.

۱۷- مقررات مدرسه

- الف - طلب دعای خیر برای بانی و واقف.
- ب - عدم دریافت وظیفه در صورت غنای مالی طلبه.
- ج - عدم مطالعه کتب ممنوعه (برابر فهرست آنها در وقفنامه ها).

۱۸- شرایط اختصاصی

- ۱- سکونت در حجرات یا بیتوته شبانه روزی حداکثر استفاده از حجرات هفت سال بود.
 - ۲- مطالعه و عبادت شب و روز در حجره.
 - ۳- عدم داشتن در آمد و ممر معاش.
 - ۴- نداشتن محل سکونت مشخص تا چهار فرسخی شهر اصفهان.
 - ۵- عدم ترک تحصیل موجه و غیر موجه از ۵ ماه تا یک سال .
- شرایط اعلام شده عمومیت نداشت و بسیاری از مدارس بدون هیچ شرطی پذیرای طلاب بودند و حتی در آنها کتب ممنوعه نیز تدریس و مطالعه می شده است.

۱۹- نتیجه

ایرانیان پیش تاز در نهضت های علمی-آموزشی بار دیگر با مهیا شدن شرایط سیاسی-اجتماعی کشور و در سایه قدرت شمشیر قزلباش ها پس از تغییرات اساسی در مذهب کشور و برای تقویت و تبلیغ هر چه بیشتر مذهب رسمی کشور ، نهضت تازه ای به راه انداختند و بار دگر پس از سستی های سخت و طولانی ناشی از حضور مهاجم بیگانه در کشور از نظر علمی - فرهنگی و با رویکردی نو، نام ایران را در جغرافیای سیاسی جهان زنده کردند. در حدود ۱۲۰ سال پایانی دولت صفویه ، مدارس بی شماری به کمک شاهان صفوی ، درباریان ، علما و مردم خیر و ایران دوست تأسیس شد .

زیر ساخت های فرهنگی ایجاد شده در این دوره به یاری موقوفات و کمک های خیرین مدرسه ساز و فرهنگ دوست بیش از یک قرن نورانیت علمی و فرهنگی در کشور ایجاد کرد و از پیش همین مدارس تعداد بی شماری از علما و دانشمندان پرورش یافته و به ارتقای سطح فرهنگ جامعه کمک کردند. اگرچه بنیان های این نهضت علمی - آموزشی به وسیله علمای غیر ایرانی و عرب "جبل عامل" گذاشته شد ، ولی خیلی زود و به سرعت عناصر ایرانی ظهور و بروز یافته و حضور آنها را در ایران و اصفهان کم رنگ کردند.

اصفهان پیش از صفویه هم مرکز علمی - سیاسی و محل عبور و اقامت علما و دانشمندان بزرگی چون بوعلی سینا، امام محمد غزالی، بواسحاق شیرازی، خواجه نظام الملک طوسی، بهمینار، ابو عبدالله معصومی و ... بود و از برکات تلاش های علمی خواجه نظام الملک طوسی در تأسیس مدارس نظامیه نیز بی نصیب نشده بود. تعداد قابل توجهی از مدارس اصفهان پیش از دوره صفویه در این دوره دگر بار استفاده شد.

با تغییرات سیاسی - مذهبی ایجاد شده در ایران و اصفهان، تغییراتی نیز در روند و ماهیت آموزش به وجود آمد. در دوره صفویه آموزش نسبت به دوره های پیش چند تغییر عمده کرد که مهم ترین آنها عبارتند از: (الماسی ۱۳۷۷: ۳۹۴)

- ۱- اساس کار قرار گرفتن محبت به حضرت امیر (علیه السلام) و یازده فرزندش.
- ۲- تدریس کتاب های تازه چون حلیه المتقین مجلسی، مثنوی نان و حلوا شیخ بهایی، موش و گربه عبید زاکانی.
- ۳- اهمیت یافتن علوم دینی و کم ارزش شدن علوم ادبی، طبیعی و ریاضی.
- ۴- معمول شدن کتب جدید در مدارس همانند کتب اربعه، وسایل تألیف حر عالی، وافی تألیف ملامحسن و بحارالانوار مجلسی، ظهور دانشمندان جدید چون میرداماد، میرفندرسکی، ملاصدرا، سبزواری و ... که پس از گذشت چند قرن دیگر بار به علم فلسفه رونق داده و بار دیگر آن را در حوزه های آموزشی مطرح و ترویج کردند، از دگرگونی های مهم بود، اگر چه این گروه دولتشان مستعجل بود و مخالفان زیاد یافته و از گردونه تصمیم سازی های - آموزشی کنار نهاده و حتی گاه بایکوت و تبعید شده و مورد بی مهری - حتی دولت - قرار گرفته بودند، ولی به هر حال بیشتر علما و فضلا و قضات و ... این دوره که تمامی آنها صاحب تألیفات و تصنیفات و ... بودند، از دانش آموختگان همین مدارس هستند.

یکی دیگر از تغییرات آموزشی در این دوره که خمیر مایه اقتصادی دارد، هدایت بخشی از امور خیریه و بخشش ها و هدایای تعدادی از سلاطین و علما و اشراف و تجار به سوی مدرسه سازی، با عنوان وقف بود. دوره صفوی را دوره احیای سنت حسنه وقف گفته اند و مهم این است که بخش زیاد و قابل توجه از این فعالیت نیک اقتصادی، در راه فعالیت های فرهنگی، علمی و آموزشی هزینه شد. آنچه که وجود دارد وقف نامه هایی است که واقفان با تعیین شرایطی خاص سعی در خدمت به جامعه را از طریق ساختن نهادهای آموزشی - اول مسجد، بعد مدرسه و سوم سایر مؤسسات - داشتند.

مدرسه های علمیه در بیشتر نقاط پر جمعیت ایجاد می شد که بیشترین تراکم آنها در اطراف بازار، امام زاده ها و مساجد بود. (کمپفر ۱۳۶۳: ۱۴۱) و اگر گزارش جمعی کاری را در باره مساجد فراوان بپذیریم، شاید به تعداد مساجد، مدرسه هم در شهرها ساخته شده است. او می گوید حتی ممکن بود در خود مسجد جلسه درس برپا گردد. چرا که مسجد محل عبادت بود و همچنین محل علم آموزی هم بود و در هر شهر به تعداد کوچه های آن مسجد داشت. (کاری ۱۳۴۸: ۱۴۷)

مدارس موقوفه دار ۱۳ تا ۱۵ مدرسه بودند که عبارتند از: جده بزرگ - جده کوچک - چهار باغ (سلطانی، مادرشاه) - حاتم بیگ - حکیمیه (کاسه گران) - زینب بیگم - شاهزاده ها (حکیم) - شفیعیه - مریم بیگم - میرزا رضی الدین (نوریه) - نیم آورد - آقا کمال خازن - ساروتقی - آقا کافور - میرزا حسین (بید آباد)

مدارس طلبه نشین ۲۷ مدرسه و عبارت بودند از: اسفندیار بیگ - اسماعیلیه - باقریه - پاشیر (درب کوشک) - جده بزرگ - جده کوچک - جلالیه - سلطانی (چهارباغ - مادرشاه) - حکیمیه (کاسه گران) - ذوالفقار - ساروتقی - شاه طهماسب - شاهزاده ها (حکیم) - شفیعیه - شیخ لطف اله - صفویه - عباسی (ناصری) - فاطمیه - فخریه - الماسیه - ملاعبدالله - میرزا حسین (بیدآباد) - میرزا رضی الدین (نوریه) - میرزا مهدی - نوریه - نیم آورد - صدر بازار.

از مجموع مدارس اصفهان دوره صفویه تاریخ احداث بیش از ۳۸ مدرسه مشخص نیست. تعداد ۳۲ مدرسه مجهول البانی و در باره ۳۶ مدرسه حتی مشخص نیست در دوره کدام یک از شاهان صفوی بنا شده اند.

سهم زنان در بنا، تولید و اداره مدارس در این میان قابل توجه است. به طوری که تعداد ۱۰ مدرسه توسط خانم ها تأسیس و راه اندازی شده است.

مدرسه هایی چون باباقاسم، هارونیه، فخریه و باقریه از مدارس قبل از صفویه اصفهان هستند که در این دوره بعد از تعمیر و بازسازی مورد استفاده قرار گرفته و احتمالاً همگی آنها قبل از پایتخت شدن اصفهان فعالیت داشته اند. تعدادی از مدارس نیز

هیچ سندی در خصوص اطلاعات مختلف از آنها در منابع یافت نشده و صرفاً تنها اثر آنها یک اسم است که در برخی منابع آمده و یا شاید اسم دوم برخی از مدارس باشند از جمله مدرسه محمد مهدی صدراعظم، مدرسه کوچه آقا جماله، مدرسه قاسمیه هاشمیه، مدرسه جعفریه و....

جدول ۱. مدارس اصفهان در دوره صفویه

نام مدرسه	بانی /موسس - پادشاه	تاریخ بنا	محل
احمد آباد	جلال الدین محمد طبیب	۱۱۱۴ - ۱۱۱۵	-
اسفند یار بیک	اسفند یار بیک	۹۹۶ - ۱۰۳۸	چهار سو نقاشی
اسماعیلیه	*	۱۱۱۶	قصر منشی
افتخار الملک	*	-	یوسف بنا
افندی	میرزا عبد الله افندی	-	-
آقا شیر علی	*	-	دردشت
آقا مبارک (مبارکه)	آقا مبارک	۱۰۷۷-۱۱۰۵	گلپهار
آقا کافور	آقا کافور	۱۰۸۰-۱۰۶۹	میدان میل
آقا کمال خازن / سلطان حسینی	آقا کمال خازن	۱۱۰۷/۱۱۰۸	-
ایلچی	صاحب سلطان بیگم	۱۰۹۷	احمد آباد
باغ سهیل	*	-	در دشت
باقریه / پاشیر / درب کوشک	باقر	قبل از صفویه	درب کوشک
پری خانم	پری خانم	-	چهار سونقاشی
ترکها	از دوره آق قو	۱۰۸۱	درب کوشک
جده بزرگ	حوری نیام خانم	۱۰۵۷/۱۰۵۸	بازار
جده کوچک	دل آرام خانم	۱۰۵۷/۱۰۵۶	بازار قهوه کاشیها
جعفریه	*	-	-

احمد آباد	۱۱۱۴	سلطان حسین	جلال الدین محمد حکیم	جلالیه
چهارباغ کهنه	۱۱۲۶-۱۱۱۶	سلطان حسین	شاه سلطان حسین	چهار باغ - مادر شاه - سلطانی
-	۱۰۸۹	عباس دوم	حاتم بیگ	حاتم بیگ
-	۱۰۶۷	شاه صفی	حاج باقر مه آبادی	حاج باقر مه آبادی
-	-	*	حاج عبد الغفار	حاج عبد الغفار
بازارریمان	۱۱۰۴/۱۱۰۵	سلیمان	حکیم الملک اردستانی	حکیمیه - کاسه گران - شمسیه
-	۱۰۷۷/۱۱۰۵	سلیمان	*	خواجه محبت
نزدیک مسجد مقصود بیگ	-	شاه صفی	خواجه محرم	خواجه محرم
-	-	*	ملک مستوفی	خواجه ملک مستوفی
دارالبطیخ	-	*	*	دارالبطیخ
چهارسونقاشی	-	*	دده خاتون	دده خاتون
محلّه	تاریخ بنا	بانی / موسس - پادشاه		نام مدرسه
نیم آورد	۹۵۰	طهماسب	شیخ محمد صوفی (الصوفی)	ذوالفقار
چهارسونقاشی	-	*	زینب بیگم	زینب بیگم
بازارحسن آباد	۱۰۵۳	صفی	ساروتقی	ساروتقی
غرب مسجدشاه	۱۰۷۸	سلیمان	شاه عباس اول	سلیمانیه
-	۹۹۶/۱۰۳۸	عباس اول	کشیشان مسیحی	سن پیروسن پل
میدان کهنه	-	*	*	شاه طهماسب
مسجد حکیم	۱۱۰۵/۱۱۳۵	سلطان حسین	شهر بانو خانم	شاهزاده ها - حکیم
دردشت پاسنگ	۱۰۶۴/۱۰۶۷	عباس دوم	محمد شفیع اصفهانی	شفیعیه
احمد آباد	۱۰۹۴/۱۰۹۹	سلیمان	میرزا محمد شفیع حسینی	شفیعیه

شمس آباد	آمیرزا محمد مهدی تاجر	سلطان حسین	۱۱۲۵	جنب جوب شاه
شهشهان	*	*	-	-
شیخ علی خان زنگنه	شیخ علی خان زنگنه	سلیمان	۱۱۰۱	دروازه حسن آباد
شیخ لطف الله	*	عباس اول	۱۰۱۵	-
شیخ یوسف بنا	*	*	-	خواجو
صفویه	*	عباس اول	۹۹۶/ ۱۰۳۸	بی نقابان
عباسی (ناصری)	عباس اول	عباس اول یا	۱۰۷۷	در جنوب شرق مسجدشاه
عربان	*	*	-	پشت میدان نقش جهان
فاضل هندی	ملا بهاءالدین	*	-	کوی کران
فاطمیه	*	شاه صفی	۱۰۶۷	-
فخریه	فخر الملک پسر خواجه نظام	*	قبل از صفویه	-
قاسمیه هاشمیه	*	*	-	-
کمرزین	*	*	-	میدان کهنه
کوچه آقا جماله	*	*	-	-
کوچه کلباسی	*	شاه صفی	۱۰۳۸-۱۰۵۲	نزدیک مسجد حکیم
گلگوز	*	*	-	-
گنج گنان	حاجی قرقچای بیک	عباس دوم	۱۰۷۵	-
لنجان	*	*	*	-
مادر شاه	مادر عباس دوم	عباس دوم	۱۰۷۷-۱۰۵۲	-
الماسیه	حاج الماس عتیق	سلیمان	۱۱۰۴	چهارسوق مقصود
محریمیه	*	سلطان حسین	۱۱۰۸	-

محمد صالح بیک	*	*	-	یوسف بنا
محمد مهدی صدر اعظم	*	*	-	-
مرتضویه	*	سلطان حسین	۱۱۱۱	-
مریم بیگم	مریم بیگم دختر شاه صفی	سلطان حسین	۱۱۱۵	چهارسوق نقاشی
ملا عبد الله	عباس اول	عباس اول	۱۰۰۷/۱۰۸۸	چهارسوق شاه
میرزا تقی یا حواییگم	میرزا تقی	عباس دوم	۱۰۷۱	جماله کله
میرزا حسین/بید آباد	عزت نسا خانم	سلیمان	۱۰۹۹/۱۱۰۵	بید آباد
میرزا خان	میرزا خان	عباس اول	۹۹۶/۱۰۳۸	-
میرزارضی الدین(نوریه)	میرزا رضی صدر اصفهانی	*	-	-
میرزا قاضی	*	*	-	نیم آورد
میرزا مهدی	میرزا مهدی خان	*	-	لبه نهر بید آباد
نجف قلی بیگ	نجف قلی بیگ	سلیمان	۱۱۰۴	-
نوریه(محمد جابر انصاری)	میرزا نورالدین محمد جابری	عباس دوم	۱۰۵۸/۱۰۶۴	بازار ریسمان یا عربها
نیم آورد	زینب بیگم (زینت)	سلطان حسین	۱۱۱۲/۱۱۱۷	بازار نیم آورد
وزیر	*	*	-	در دشت
هارونیه/هارون ولایت/میرزا شاه حسین	درویش خان/میرزا شاه حسین	اسماعیل اول	قبل از صفویه ۹۱۸	-
بابا قاسم(امامیه در صفویه)	*	آل مظفر	قبل از صفویه	-
خواجو	*	عباس اول	-	-
حسینیه	حاج حسین اردستانی	سلیمان	۱۰۶۹	-
طیبه خالصیه	*	*	-	-
باغ حاجی	*	*	-	-

منابع

۱. احمدی، نزهت. ۱۳۸۲. "تاثیر نهاد وقف در نظام آموزشی دوره صفوی". مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی. اصفهان: دانشگاه اصفهان
۲. اولتاریوس، آدام. ۱۳۷۹. سفر نامه آدام اولتاریوس. ترجمه حسین کرد بچه. تهران: هیرمند
۳. ایمانیه، مجتبی. ۱۳۵۵. تاریخ فرهنگ اصفهان. اصفهان: دانشگاه اصفهان
۴. تبریزی، محمدزمان بن کلبعلی. ۱۳۷۳. فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد. به کوشش رسول جعفریان. چ ۱. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب
۵. جاوری، محسن. ۱۳۸۲. "تعلیم و تربیت اسلامی و مدارس دوره صفوی" مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی. اصفهان: دانشگاه اصفهان
۶. جعفریان، رسول. ۱۳۷۳. میراث اسلامی. (دفاتر اول، سوم و ششم). قم: کتابخانه مرعشی نجفی
۷. حسین زاده، سید محمد علی. بی تا. علما و مشروعیت دولت صفوی. بی جا: انجمن معارف اسلامی
۸. حلبی، علی اصغر. ۱۳۶۵. تاریخ تمدن اسلام. تهران: چاپ و نشر بنیاد
۹. خسروی، محمد علی. ۱۳۵۲. هفت وقف نامه دوره صفویه. چ ۷. تهران: صائن
۱۰. راوندی، مرتضی. ۱۳۶۴. سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا. چ ۳. تهران: گوی
۱۱. ریاحی، محمد حسین. ۱۳۷۸. "پیشینه مدارس و سازمانهای تعلیماتی اصفهان، پیش شماره های ۱ تا ۴ فصل نامه آموزه، اصفهان، اداره کل آموزش و پرورش اصفهان
۱۲. سپنتا، عبدالحسین. ۱۳۴۶. تاریخچه اوقاف اصفهان. اصفهان: اداره اوقاف اصفهان
۱۳. سلطان زاده، حسین. ۱۳۸۴. تاریخ مدارس ایران (از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون). چ ۱. تهران: آگاه
۱۴. سیوری، راجر. ۱۳۸۴. ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. چ ۱۳. تهران: نشر مرکز
۱۵. شاردن. ۱۳۳۸. سیاحت نامه شاردن. به کوشش محمد عباسی تهران: امیر کبیر
۱۶. شاردن، زان و جناب، میر سید علی. ۱۳۷۶. الاصفهان به کوشش محمد رضا ریاضی. تهران: میراث فرهنگی
۱۷. صفا، ذبیح الله. ۱۳۶۳. آموزش و دانش در ایران. تهران: نوین
۱۸. صفت گل، منصور. ۱۳۸۱. ساختار نهاد و اندیشه دینی صفویه تهران: رسا
۱۹. ضمیری، محمد علی. ۱۳۷۷. تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران. تهران: ساسان
۲۰. فرای، ریچارد ن. ۱۳۸۰. تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان. ترجمه حسن انوشه. چ ۴. تهران: امیر کبیر
۲۱. فریر، رانلد دبلیو. ۱۳۸۴. برگزیده و شرح سفر نامه شاردن. ترجمه حسین هپ بریان. تهران: فروزان
۲۲. کارری، جملی. ۱۳۴۸. سفر نامه کارری. ترجمه عباس نخجوانی و عبد العلی کارنگ. تبریز: اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی
۲۳. کتابی، سید محمد باقر. ۱۳۷۵. رجال اصفهان (در علم و عرفان و ادب). اصفهان: گلها
۲۴. کمپفر، انگلبرت. ۱۳۶۳. سفر نامه کمپفر. ترجمه کیکاووس جهانداریتهران: خوارزمی
۲۵. الگود، سیریل. ۱۳۵۷. طب در دوره صفویه ترجمه. محسن جاویدان، تهران: دانشگاه تهران
۲۶. الماسی، علی محمد. ۱۳۷۷. تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران. تهران: امیر کبیر
۲۷. محقق، مهدی. ۱۳۸۴. علوم محضه از آغاز صفویه تا تاسیس دارالفنون. تهران: دانشگاه تهران
۲۸. محمد علی، ضمیری. ۱۳۷۷. تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران. شیراز: ساسان
۲۹. محمدی محمد. ۱۳۷۹. فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عرب. چ ۲. تهران: توسن
۳۰. نصر آبادی، محمد طاهر. ۱۳۷۸. تذکره نصر آبادی. به کوشش احمد مدقق یزدی. یزد: دانشگاه یزد

۳۱. نویدی شیرازی، خواجه زین العابدین علی (عبدی بیگ). ۱۳۶۹. تکملة الاخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ ق). تصحیح و تعلیقات: عبدالحسین نوایی. ج ۱. تهران: نشر نی
۳۲. وقف نامه های چند مدرسه، اداره کل اوقاف اصفهان

